

تحلیل گفتمانی دو مفهوم متعارض از «انتظار» از دیدگاه امام خمینی و انجمن حجتیه

بهرام اخوان کاظمی (نویسنده مسئول)
هیأت علمی (استاد) علوم سیاسی دانشگاه شیراز، ایران
shirazu.ac.ir@kazemi

منا حمیدی نسب
دانشجوی دکتری اندیشه‌های سیاسی، دانشگاه شیراز، ایران
shirazu.ac.ir@m.hamidinasab

چکیده

بررسی معنای انتظار دو گفتمان ایستایی و غیرانقلابی و گفتمان پویا و انقلابی و همچنین تأثیر معنای انتظار و انگاره‌های برخاسته از این مفهوم نوع رفتار و کنشگری انسان یک جامعه عصر غیبت، موضوعی است که هدف مطالعات بسیاری از جمله هدف پژوهش حاضر قرار گرفته است. این نوشتار با استفاده از شیوه‌توصیفی - تحلیل اسنادی به تحلیل گفتمانی موضوع پرداخته است. آنچه مسئله پژوهش حاضر را مطرح می‌سازد، تأثیر انتظار عصر غیبت بر کنشگری انسان است؛ موضوعی که مرزبندی‌های مشخصی را میان معتقدان به حضور فعال و غیرفعال عصر غیبت ایجاد نمود و صدد پاسخ به این پرسش است که انسان مفصل‌بندی گفتمانی گفتمان‌های فکری برآمده از انتظار عصر غیبت، چه هویت و کنشی را به دست می‌آورد؟ آنچه پژوهش به دنبال ادعای آن است این مطلب است که برداشت پویا و انقلابی از انتظار عصر غیبت که آیین و انعکاس آن را می‌توان نظریات امام خمینی استناد نمود، فرایندی از سازوکارهای اساسی برای پیشبرد اهداف آرمانی و مفصل‌بندی عناصر هویتی مطلوب از انسان و کنشگری آن جامعه اسلامی و مسئولیت‌پذیری صحیح فراهم‌سازی بسترهای ظهور منجی عالم را ایجاد نمود. موضوعی که با کنشگری منفعلانه و نگرش‌های تقلیل‌گرایانه رویکردهای ایستایی به معنای انتظار عصر غیبت به صورت شاخص اندیشه فکری انجمن حجتیه، ناسازگاری کامل دارد.

واژگان کلیدی: انتظار ایستا، انتظار انقلابی، انجمن حجتیه، امام خمینی، گفتمان.

مقدمه

مسأله انتظار ظهور مصلح و منجی تفکر شیعی، از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا مبانی نظری تشیع نجات جهان و سامان آن، ظهور منجی منجی حقیق می‌یابد و با آمدنش عصر روشن حکومت توحید و دوران طلایی تکامل عقل‌ها فرامی‌رسد. فرارسیدن چنین روزی به دت چنین چنان کسی همه همه ادیان الهی و مکتب‌های بشری نوید داده شده است و پیروان آن‌ها انتظار او به سر می‌برند.. بررسی رویکردها ساحت امر انتظار جامعه ایران اسلامی، حاکی از این امر است که نگرش‌های متفاوتی از مسئولیت‌پذیری نسبت به دوران غیبت، هویت‌گری و ترسیم مفاهیم و عناصر خاص را شکل داده است. چنان ساختارهای فکری مختلف، تأثیر بسزایی بر هویت‌یابی یک کنشگر جامعه انسانی ایجاد نمود به گونه‌ای که انسان جامعه عصر غیبت، دارای هویتی فعال یا منفعل می‌شود. آنچه مسئله پژوهش حاضر را مطرح می‌سازد، تأثیر انتظار عصر غیبت بر کنشگری انسان است. موضوعی که مرزبندی‌های مشخصی را میان معتقدان به حضور فعال و غیرفعال عصر غیبت ایجاد نمود و صدد پاسخ به این پرسش است که مفصل‌بندی گفتمان‌های فکری برآمده از انتظار عصر غیبت، چگونه مفصل‌بندی شده و انسان این مفصل‌بندی گفتمانی چه هویت و کنشی را به دست می‌آورد؟ پاسخ به پرسش حاضر، این پژوهش به دنبال این ادعا است که برداشت پویا و انقلابی از انتظار عصر غیبت که آینه و انعکاس آن را می‌توان نظریات امام خمینی استناد نمود، فرایندی است از سازوکارهای اساسی برای پیشبرد اهداف آرمانی و مفصل‌بندی عناصر هویتی مطلوب از انسان و کنشگری آن جامعه اسلامی و مسئولیت‌پذیری صحیح فراهم‌سازی بسترهای ظهور منجی عالم؛ موضوعی که با کنشگری منفعلانه و نگرش‌های تقلیل‌گرایانه رویکردهای ایستایی به معنای انتظار عصر غیبت به صورت شاخص اندیشه فکری انجمن حجّیه، ناسازگاری کامل دارد.

این زمینه مطالعات بسیاری صورت گرفته است. از جمله کتاب **استراتژی انتظار**، اثر اسماعیل شفیع سروستانی که به بررسی تحولات فرهنگی و اجتماعی ایران دوره جمهوری اسلامی پرداخته است. کتاب **انتظار پویا**، اثر محمد مهدی آصفی که به مفهوم‌شناسی انتظار و توجیه روانی آن و دیدگاه‌های مکاتب و مذاهب گوناگون غیردینی و نشانه‌های منتظران حقیقی امام زمان پرداخته است. مقاله داود مهدوی زادگان با عنوان «امام خمینی و فلسفه سیاسی انتظار (ولایت‌فقیه، دولت انتظار)»

(۱۳۹۴) با بحث از فلسفه سیاسی که بحث از حکومت مطلوب می‌کند، به پاسخ این پرسش اقدام می‌ورزد که آیا امامیه دوره غیبت از فلسفه سیاسی خاصی دفاع می‌کند یا منکر هرگونه فلسفه سیاسی است؟ پاسخ به این پرسش نگارنده به بررسی و تبیین دیدگاه امام خمینی پرداخته که امامیه اساساً با هرگونه تفکر آنارشستی مخالف است و از فلسفه سیاسی امامت دفاع می‌کند؛ فلسفه‌ای که منحصر به دوره حضور معصوم^(ع) نیست و دوره غیبت بر مبنای اصل امامت، ولایت فقیه را باید معادل فلسفه سیاسی انتظار و دولت انتظار عصر غیبت دانست. احمد مسانلی و همکارانش نیز مقاله «سازه مفهومی انتظار اندیشه مهدویت» (۱۳۹۸) با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، به منظور شناخت و تعریف سازه انتظار که طی آن، علاوه بر واژه‌شناسی به بررسی دقیق مدلول استعمالی و اصطلاحی و نیز جایگاه آن کل نظام معنایی پرداخته و نهایت به این نتیجه دست یافته است که سازه انتظار مبنای تفکر اسلامی عبارت است از: حالت نفسانی و کیفیتی روحانی که گویای توجه و اشتیاق و آرزوی تحقق امر خیری است که تحقق آن نزدیک است و اگر واژه انتظار مفهوم عالی آن به گونه‌ای صحیح تفسیر و تبیین گردد، باعث نشاط روحی، معنوی و رشد اخلاقی گردیده و آینده روشن و سعادت جاودانه انسان‌ها را تضمین می‌کند.

عباس کشاورز شکری به همراه امین خدابخشی نیز مطالعه‌ای با عنوان «انسان منتظر از دیدگاه انجمن حجّتیّه و امام خمینی» به بررسی ویژگی انسان منتظر از دیدگاه انجمن حجّتیّه و دیدگاه امام خمینی پرداخته است. پرسش اصلی این مقاله آن است که انسان منتظر از دیدگاه امام خمینی و انجمن حجّتیّه چه تفاوتی با هم دارند. از این رو با استفاده از اسناد و مدارکی که این حوزه وجود دارد و با روش تحلیل اسنادی تلاش شده است به بررسی دو دیدگاه انجمن حجّتیّه و امام خمینی مورد انسان منتظر پرداخته شود. یافته‌های این مقاله آن است که انسان منتظر از دیدگاه انجمن حجّتیّه انسانی است که نه تنها تشکیل حکومت دوران غیبت را محکوم می‌کند، بلکه انسان منتظر باید برای پیشبرد اهداف خود سایه تقیه و صبر با حکومت جور نیز موافقت زبانی کند. گریه زیاد از دوری حضرت و همچنین صدقه دادن برای سلامتی حضرت از دیگر ویژگی‌های انسان منتظر از نگاه انجمن حجّتیّه است؛ حال آنکه امام مهم‌ترین و بدیهی‌ترین تکلیف انسان منتظر را تشکیل حکومت عدل و همچنین قیام برابر حکام جور می‌داند.

۱. مفهوم شناسی انتظار

مفهوم شناسی یکی از مهم‌ترین بایسته‌ها دین‌پژوهی متن محور است؛ زیرا بدون شناخت مفهوم موضوع نمی‌توان فهم دقیقی از متن به دست آورد و ویژگی‌ها و رابطه آن‌ها را شناخت و سپس تبیین کرد. یکی از مفاهیم ارزشی آموزه مهدویت، کلمه انتظار است. با توجه به بار معنایی فراوان این کلمه، برخی آن را از باب اراده جزء بر کل، بر کل اندیشه و آموزه مهدویت حمل نموده و از آن به فرهنگ انتظار یاد می‌کنند. واژه انتظار از ریشه «نَظَر» است، به معنای «نگاه با تأمل و دقت» که باب «افتعال» به کار برده شده است. از ارتباطات معنایی آن «تأنی» و «ترقب» و «المکث» قابل اشاره‌اند که به ترتیب به معنای «نگ کردن» و «چشم‌به‌راهی» و «ایست و نگ» است. کتاب العین فراهیدی چنین آمده است: «نَظَرْتُ فلاناً و انتَظَرْتُه بمعنی، فإذا قُلْتُ: انتَظَرْتُ فلماً يُجاوِزُكَ فَعَلَهُ فَمَعْنَاهُ وَقَفْتُ و تَمَهَّلْتُ؛ نظر کردم به فلانی و انتظار را کشیدم به یک معنا است پس به او فعلش نرسیده است پس معنایش این است که نگ نمودم و مهلت دادم» (مسائلی و فرقانی، ۱۳۹۸: ۱۳).

انتظار لغت به معنای چشم داشتن، چشم به راه بودن، نگرانی و انتظار کشیدن به معنای نگران بودن و چشم به راه داشتن است و اصطلاح، مفهومی ارزشی - فرهنگی است که از آن، رفتار فرهنگی معینی سرچشمه می‌گیرد و آن مفهوم ساختار ذهنی، اسلوب اندیشه، شیوه زندگی و چگونگی نگرش به آینده، دخالت مؤثر و فعالی دارد و ترسیم خط سیاسی حال و آینده، تأثیرگذار است (جباری، ۱۳۹۸: ۴۷).

بسیاری از مکاتب فکری و مذهبی جهان امروز، اعتقاد به مصلح جهانی، مدینه فاضله، هم‌چنین موعود و منجی‌گرایی و هزاره‌گرایی وجود دارد، نظام فکری و اجرایی مهدویت تعالیم اسلامی و آرای بسیاری از فرق آن، منزلت و موقعیت ویژه و بالایی دارد. برخی از متفکران مانند ابن خلدون و بعضی دیگر به این نظام فکری شبیهاتی نارسا وارد کرده‌اند، ولی گستره فرق اسلامی این اعتقاد به استواری وجود دارد. البته بدیهی است اختلافاتی هم این زمینه وجود داشته که بیشتر آن‌ها اعتقادی یا مورد شخصیت منجی یعنی حضرت مهدی (عج) است. برای نمونه، باره رجعت اختلافاتی وجود دارد و یا این که برخی از فرق سنی برخلاف تشیع به تولد آن حضرت آینده معتقد هستند و مانند زیدیه (از فرق شیعی) معتقدند امام باید قبا به جنگ و دفاع باشد (اخوان کاظمی، ۱۳۹۰: ۱۷).

فرهنگ دینی تشیع با آموزه انتظار عجین گشته است و این آرزوی حکومتی جهانی حول محور عدالت و ایمان است و سابقه‌ای بس طولانی دارد. آموزه غیبت و انتظار فرج، جزو اصول اعتقادی امامیه است. بزرگان شیعه که باره غیبت آثار ماندگاری تألیف کرده‌اند پیشگفتار اثرشان به این مسئله پرداخته و اشاره نموده‌اند. برای نمونه: محمد بن ابراهیم نعمانی کتاب الغیبه و شیخ صدوق کمال‌الدین و تمام النعمه و شیخ طوسی کتاب الغیبه غرض از تألیف اثرشان را دفع شبهات پیرامون آموزه غیبت بیان کرده‌اند. میرزای شیرازی، امام عصر (عج) را بر اعمال مسلمین، به ویژه شیعیان، حاضر و ناظر می‌داند که این‌گونه فتوای تحریم تنباکو را صامی کند: «بسم الله الرحمن الرحیم؛ الیوم استعمال تنباکو و توتون بای نحو کان حکم محاربه با امام زمان (ع) است» (اصفهان‌ی کربلائی، ۱۳۷۷: ۱۱۸). برخی روایت‌ها از انتظار فرج؛ تقویت‌کننده فراخواندن همگان به سکوت و عدم اقدام علیه حاکمیت سیاسی است؛ مانند روایتی که نعمانی آن از امام صادق (ع) نقل کرده است: «عن ابی‌عبدالله (ع) انه قال: کفوا السننکم و الزمو بیوتکم، فانه لایصیبکم امر تخصون به ابدا و یصیب العامه و لا تزال الزیدیه و قاء لکم ایداً»؛ زبان‌هایتان را نگاه دارید و خانه‌هایتان بنشینید که هرگز کاری که مخصوص شما باشد دامن‌گیرتان نشود، بلکه همگانی باشد و همواره زیدیه سپر شما باشند (مهدوی زادگان، ۱۳۹۴: ۱۱).

۲. روش‌شناسی: نظریه تحلیل گفتمان

پی تحولات فکری و نظریه‌پردازی سده بیستم میلادی دو دهه اخیر نظریه‌های مربوط به تحلیل گفتمان عرصه‌های مختلف علوم انسانی ظهور نموده و کاربرد وسیعی یافته است. گسترش گرایش به استفاده از مباحث گفتمانی علوم انسانی به نارضایتی فزاینده از جریان اصلی رهیافت‌های پوزیتیویستی علوم اجتماعی و تضعیف سیطره آن بر رشته‌هایی چون علم سیاست و جامعه‌شناسی برمی‌گردد. همچنین گسترش آن، محصول دیرهنگام «چرخش زبانی» بر علوم اجتماعی و متعاقب آن، رشد رهیافت‌های هرمنوتیک، نظریه انتقادی و پساساختارگرایی است. همچنین احیای مجدد نظریه مارکسیستی غرب همراه با اشاعه گسترده گفتمان روان‌شناختی علوم اجتماعی بر تمرکز علوم اجتماعی بر نظریه گفتمان کمک نمود. نهایت ظهور زمینه تحلیل گفتمان زبان‌شناسی دهه ۱۹۷۰ و

کاربرد آن رشته‌هایی چون مطالعات فرهنگی و نظریه ادبی به مفهوم جدیدی از گفتمان و شیوه خاصی از تحلیل گفتمانی انجامیده است (اخوان کاظمی، ۱۳۹۷: ۲۴). به تبع ورود تحلیل‌های گفتمانی به مطالعات سیاسی مباحث اندیشه سیاسی اسلام نیز از تحلیل‌های گفتمانی استفاده شده است.

نظریه تحلیل گفتمان به بررسی نقش اعمال و عقاید اجتماعی معنادار زندگی سیاسی می‌پردازد. این نظریه روشی را که نظام‌های معنایی (گفتمان‌ها) برای آگاهی یافتن مردم از نقش‌هایشان جامعه بیان می‌کند، بررسی می‌کند و به تجزیه و تحلیل شیوه تأثیرگذاری این نظام‌های معنایی یا گفتمان‌ها بر فعالیت‌های سیاسی می‌پردازد. این نظریه بر آن است تا چگونگی پیدایش، بسط و تحول اندیشه‌ها را به‌عنوان یک گفتمان که سازنده معانی و فعالیت‌های سیاسی است ک و تبیین کند. براین اساس، ک هر فرایندی از جمله فرایند بسط و تحول اندیشه‌ها بر ک گفتمانی متوقف است که آن فرایند و ن آن رخ داده است (اخوان کاظمی، ۱۳۹۷: ۳۰-۲۹). واقع نظریه تحلیلی گفتمان، به‌جای تبیین‌های علی تحولات اجتماعی-نظری، صدد فهم و توصیف معانی شکل گرفته فرایند اجتماعی است. همچنین این نظریه، دعاوی صدق و کذب را به حال تعلیق می‌آورد؛ زیرا این نظریه خصلتی ضد ذات‌گرایانه دارد و تمامی امور اجتماعی را محتمل می‌داند (علیخانی، ۱۳۸۸: ۵۵۳). نظریه گفتمان از ما می‌خواهد که بر ظرفیت‌های یک بیان خاص به‌منزله مفصل‌بندی متمرکز شویم: این بیان با قراردادن عناصر یک رابطه خاص با عناصر دیگر چه معنایی را ایجاد و چه معناهایی بالقوه‌ای را طرد می‌کند؟ یک مفصل‌بندی خاص به چه گفتمان یا گفتمان‌هایی متکی است و چه گفتمان یا گفتمان‌هایی را بازتولید می‌کند؟ یکی از راه‌های پاسخ به این پرسش‌ها شناسایی گره‌گاه‌هاست: کدام نشان‌ها جایگاه ممتازی دارند و چگونه رابطه با دیگر نشان‌های گفتمان تعریف شده‌اند؟ وقتی نشان‌هایی را که گره‌گاه‌اند پیدا کردیم می‌توانیم بررسی کنیم که دیگر گفتمان‌ها چگونه این نشان‌ها (دال‌های سیال) را تعریف می‌کنند و با بررسی رویه‌های رقیب نسبت دادن محتوا به دال‌های سیال می‌توانیم رفته‌رفته نزاع‌های موجود بر سر معنا را بشناسیم. با این روش می‌توانیم به‌ت‌یج ساختاربندی ناتمامی را که گفتمان‌های قلمروهای خاص ایجاد کرده‌اند نشان دهیم. براین اساس، نظریه لاکلا و موفه علاقه‌مند به تحلیل چگونگی ساخته‌شدن و تغییر این ساختار قالب گفتمان است. برای این کار باید بررسی کرد که چگونه مفصل‌بندی‌ها پیوسته گفتمان‌ها را بازتولید می‌کنند، به چالش می‌کشند و

تغییر می دهند (یورگنسن، فیلیپس، ۱۳۹۸: ۶۳).

۳. انتظار و دو مفهوم متعارض

پژوهندگان از میان رویکردهای مختلف نظریه تحلیل گفتمان، به روش تحلیلی نظریه گفتمان لاکلا و موفه دو نوع نگاه و برداشت از مفهوم انتظار را دیدگاه انجمن حجتیه و امام خمینی بررسی نمودند:

۱. برداشت ایستا از مفهوم انتظار؛ ۲. برداشت و نگاه فعال و انقلابی از انتظار. نگاه و برداشت اول، با توجه به تفاسیری که بدان اشاره خواهد شد، می توان انجمن حجتیه را قرار داد. البته باید توجه داشت که برهه ای از زمان این نگاه از مفهوم انتظار گفتمان غالب جامعه بوده و از آن به عنوان چهارچوب اصولی برای مفهوم انتظار یاد می شد. مقابل این برداشت، همان گونه که عنوان شد برداشتی نهادساز و انقلابی نیز از مفهوم انتظار وجود دارد که کشاکش هویتی، گفتمان غالب جامعه شیعی ایران (از دهه ۱۳۲۰ و پس از آن پیروزی انقلاب اسلامی) شد. این نوع نگاه برعکس برداشت اول، مفهوم انتظار و انسان منتظر فعال، پویا و انقلابی شناخته می شوند و با نفی هرگونه رکود فکری و ایستایی بر پویایی معنای انتظار تأکید دارد و انسان منتظر را موظف به حرکت و عمل جهت اصلاح جامعه خویش تا ظهور مهدی و پایان انتظار نهایی می داند.

۳-۱. رویکرد ایستایی و غیر انقلابی: انجمن حجتیه

انجمن حجتیه مهدویه سال ۱۳۱۲ تأسیس شد. عمده هدف این انجمن دور نگه داشتن مردم از فعالیت های سیاسی - اجتماعی و پیشبرد نظریه استعماری جدایی دین از سیاست بود. اندکی بعد پی رویدادهای شهریور ۱۳۲۰ انجمن نام خود را به انجمن تبلیغات اسلامی تغییر داد. سومین ماده اساسنامه آن بر وابسته نبودن احزاب سیاسی تأکید و هر نوع فعالیت سیاسی ممنوع شد. انجمن هدف خود را تنها به امور اخروی محدود کرده بود. این انجمن فروردین ۱۳۲۱ رسماً موجودیت خود را اعلام نمود. میان بنیان گذاران این انجمن افرادی مانند: عطاالله شهاب پور، حشمت الله دولتشاهی، شیخ محمود تولایی مشهور به حلبی و عده ای دیگر را می توان نام برد. این انجمن بعدها به انجمن حجتیه تغییر نام داد و عمده فعالیت آن صرف مقابله با بهائیت و امور ظاهری می شد و با دستاویز ساختن مقابله با گسترش فعالیت بهائیان به کار خود ادامه دادند (رضایی، ۱۳۸۷: ۹۹ -

۹۸). انجمن حجّتیّه که به انجمن ضد بهائیت مشهور بود، مقارن با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تأسیس شد. مؤسس این گروه شیخ محمود ذاکرزاده تولایی است که به نام شیخ محمود حلبی شناخته می‌شد (رضایی، ۱۳۹۴: ۱۳). شیخ محمود حلبی از فعالان نهضت ملی شدن نفت و یک روحانی سیاسی شناخته‌شده مشهد بود؛ اما به دلیل سرخوردگی از مسائل سیاسی مشهد، این شهر را رها کرده و به تهران می‌آید و انجمن حجّتیّه را با هدف مبارزه با بهائیت تشکیل می‌دهد (جعفریان، ۱۳۹۰: ۵۲۹-۵۲۵). مهم‌ترین و آشکارترین فعالیت انجمن، قبل از انقلاب، مبارزه با بهائیت بود. مبارزه با بهائیت فلسفه وجودی انجمن را شکل می‌داد؛ این مبارزه تنها بُعد فکری، انجام می‌گرفت و انجمن وارد فاز سیاسی و اقتصادی نمی‌شد. از آنجا که انجمن سیاست را نفی می‌کرد با این ویژگی بهائیت گیر نشد و فقط از پایگاه ایدئولوژیک به نقادی آن می‌پرداخت. شهید رجایی می‌فرماید: «آن موقعیت که بران و خواهرانمان زیر شکنجه فریاد می‌کشیدند این‌ها می‌رفتند ثابت کنند که بهائیت بر حق است یا باطل و دقیقاً مقابل مبارزه قرار می‌گرفتند» (صدقی، ۱۳۸۸: ۱۳۷). انجمن پس از پیروزی انقلاب، رویکرد مبارزه با بهائیت و رویکرد سلبی نسبت به انقلاب اسلامی را تغییر داد و به جای نقد بهائیت به نفی مارکسیسم پرداخت. آقای حلبی تا جریان هفدهم شهریور، حرکت توده‌ها را بر ضد رژیم باور نداشت؛ ولی از فردای آن روز اطمینان پیدا کرد که دست چپی‌ها کار نیست و به افراد انجمن توصیه کرد که تظاهرات شرکت کنند؛ البته برخی از اعضای انجمن به شدت با این رویکرد آقای حلبی مخالفت کردند. انجمن نشریه انتظار، هواداری خود را از انقلاب اعلام کرد. آن‌ها تدوین پیش‌نویس قانون اساسی به پیشنهاد استاد مطهری مشارکت کردند. مخالفت شدید با انجمن بعد از پیروزی انقلاب از سال ۱۳۶۰ شمسی توسط سازمان مجاهدین انقلاب آغاز شد و با انتشار کتاب شناخت حزب قاعدین زمان توسط عمادالدین باقی و نشر دانش اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی سال ۱۳۶۳ ش. ضربه سختی بر آن وارد شد. انجمن پی سخنان امام خمینی ۱۳۶۲/۴/۲۱ به تعطیلی موقت انجامید. ایشان این سخنان فرمودند:

یک دسته دیگر هم که ترشان این است که بگذارید که معصیت زیاد بشود تا حضرت صاحب بیاید. حضرت صاحب مگر برای چی می‌آید؟ حضرت صاحب می‌آید معصیت را بردارد، ما معصیت کنیم که او بیاید؟ این اعوجاجات را بردارید. این

دسته‌بندی‌ها را برای خاطر خدا اگر مسلمید و برای خاطر کشورتان اگر ملی هستید، این دسته‌بندی‌ها را بردارید و این موجی که الآن این ملت را به پیش دارد می‌برد، این موج خودتان را وارد کنید، و بر خلاف این موج حرکت نکنید که دست و پاپتان خواهد شکست (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۷: ۵۳۴).

انجمن حجّتیّه با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد که کلیه جلسات تعطیل شده است؛ البته امام خمینی متوجه بود که اعلام تعطیلی انجمن، غیر از انحلال آن است (خسروپناه، ۱۳۹۰: ۱۶۴-۱۶۳).

انجمن حجّتیّه به‌عنوان گفتمانی از بدنه حوزة علمیه با تفکر اسلامی - سنتی، پا به عرصه وجود گذاشت. انجمن زیر سایه حمایت علما و مذهبیان و برای پیشبرد مقاصد خود مطابق با قوانینی که حکومت مشخص کرده بود امور سیاسی دخالتی نداشت و به امور فرهنگی و اشاعه مظاهر دینی می‌پرداخت و با بهائیت که خطری برای دین محسوب می‌شد، مبارزه می‌کرد. انجمن پس از پیروزی انقلاب، رویکرد مبارزه با بهائیت و رویکرد سلبی نسبت به انقلاب اسلامی را تغییر داد و به جای نقد بهائیت به نفی مارکسیسم پرداخت (جعفریان، ۱۳۹۰: ۱۶۳). این لایه که حقیقت باقی مانده همان جریان حداکثری اخباری جهان تشیع و ایران و متأثر از آن و یا کم‌وبیش همان راستای فکری است؛ نسبت به علوم جدید و به‌طور کلی علوم بشری موضعی مخالف دارد؛ زیرا معتقد است میان آموزه‌های دینی و بشری یا تباین کلی حاکم است و یا اگر هم نباشد، نیازی به علوم جدید برای تأمین سعادت بشری نیست؛ زیرا دین و آموزه‌های آن این خصوص به‌تنهایی کفایت می‌کند؛ لذا باید به متن دین اکتفا کرد و دستاوردهای این علوم را رها ساخت. طیف غالی ابن لایه، دین را عمدتاً امور عبادی و اخروی خلاصه می‌کند، لذا متمایل به دخالت امور اجتماعی و سیاسی نیست و به‌تبع محافظه‌کار بوده و به تحولات و اصلاحات اجتماعی چندان معتقد نیست (مرندی، ۱۳۸۲: ۶۱).

مبحث انتظار یکی از عمده‌ترین مسائل مورد اشاره و استناد انجمن بوده است؛ به‌طوری‌که همه فعالیت‌های خود را پوشش آن می‌گنجاند. حسین تاجری از اعضای اصلی انجمن کتاب خود مورد معنای انتظار این‌گونه نوشته است:

نخستین نکته‌ای که با عنایت به مفهوم «انتظار» به ذهن می‌آید، خواستار شدن

«ظهور» است از صمیم دل. لازمه این خواستن و اشتیاق، وجود دو زمینه قلبی است: یکی شناخت و آگاهی از محتوای ظهور؛ و دوم گرایش و جویایی نسبت به آن محتوا (تاجری، ۱۳۵۸: ۴۷).

انجمن حجتیه برای تقویت رویکرد خود به این آیه از قرآن استناد می‌کند که: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۲۰۰)؛ ای ایمان‌آوردگان، پایدار باشید و شکیبایی پیشتانز شوید و مراقبت دیده‌وری و مرزبانی نمایید و از خدا پروا کنید، امید است رستگارگردید. از دیدگاه انجمن، صبر «تدبیر» است نه «ادبار»؛ «ماندن» است نه «ماندن»؛ «سختی» است نه «سستی». پس شکیبایی خود نوعی مبارزه «ایستا» یا ایستاتیک است؛ یعنی اگرچه فرد صبور به ظاهر جبهه پیش نمی‌رود اما دارد از پیشروی دشمن جلوگیری می‌کند. صبر کمینگاهی برای بسیج نیروها نبرد سرنوشت عصر ما است. از دیدگاه انجمن، انسان منتظر انسانی محب است. انسانی که فراق و دوری حضرت گریه و زاری می‌کند و ب به دنبال نشانه‌ای از ایشان می‌گردد. از دیگر ویژگی‌های انسان منتظر نظر انجمن، داشتن صبر و تقیه است و انجمن بر این باور است که صرفاً باید مهیا باشیم، نیرو ذخیره کنیم حتی تظاهر به مخالفت با دشمن هم نکنیم و موافقت زبانی هم بکنیم و همیشه تا ظهور و قیام سنگر تقیه و استتار و سکوت و عدم تظاهر به مخالفت با دشمن کمینگاه صبر به سر ببریم (باقی، ۱۳۶۳: ۱۳۸).

نگاه انجمنی می‌گوید تکلیف ما عصر غیبت انتظار است، اما انتظاری ایستا نه آن انتظار پویایی که می‌تواند به اصلاح اجتماعی نگاهی داشته باشد و همه جنبه‌های اجتماعی از ص تا ذیل جامعه را برگیرد، تشکیل حکومت اسلامی دهد و به مستضعفان مسلمین گوشه جهان امداسانی کند. انتظار ایستا یعنی فردی می‌گوید خود را مسلح به همه سلاح‌ها کنید بدون انجام کوچک‌ترین فعلیتی، تنها و تنها منتظر باشید (رضایی، ۱۳۹۴: ۱۳۲)؛ یعنی انسان منتظر نیرو و امکانات خود را بالقوه نگه دارد و آماده باشد تا فرمان فرمانده کل قوا، یعنی امام عصر صا شود؛ نه اینکه با این امکانات و تجهیزات عصر غیبت با ستمگران و مفسدان ستیز کنند. هدف ثابت انجمن تا ظهور، این جمله خلاصه می‌گردید که تبلیغ دین اسلام و مذهب جعفری و دفاع علمی از آن با رعایت مقتضیات زمان صورت گیرد (علیانسب و علوی، ۱۳۸۵: ۵۶-۵۸). انجمن حجتیه با خوانشی مصلحت‌جویانه (عدم ایجاد

حکومت تا زمان ظهور معصوم و عدم پذیرش هر نوع حکومت دوران غیبت) و گفتمانی تک بعدی از اسلام، به دنبال احیای روند اسلام‌گرایی سنتی و تعامل با حکومت پهلوی قد برافراشت. این مسیر، نوعی دیگر از اسلام‌گرایی توسط امام خمینی پا به عرصه وجود گذاشت که نه با اسلام انحرافی و روشنفکرانه پهلوی سازگار بود و نه با خوانش التقاطی از اسلام توسط انجمن حجّتیّه و حامل پیامی بود برای ارائه اسلامی چندبعدی و فارغ از تعامل با گفتمان حکومت پهلوی (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۲۷).

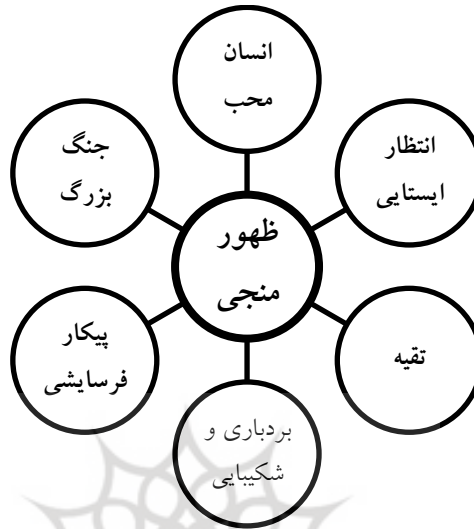
۳-۲. تحلیل گفتمانی رویکرد غیرانقلابی

بررسی موضوع انتظار و نگرش‌های مختلف به این مقوله که نظام‌های معنایی متفاوتی را نیز فرآوری هویت‌یابی کنشگران عرصه اجتماع شکل داده است، مبین این مطلب است که نگرش ایستایی و غیرانقلابی به مفهوم انتظار برای ظهور منجی با ارائه دال‌هایی از مفاهیم و عناصر (مانند تربیت افراد و تجهیز خود برای مبارزه بزرگ، شناخت ونی و آگاهی نسبی کنار داشتن آرامش نسبی، بیداری و مراقبت، نبرد تدافعی، تقیه و صبر) حول دال مرکزی ظهور منجی عالم، منجر به شکل‌گیری کنشگر غیرفعال اما محب شده است. این خاستگاه، انجمن بر سلبيت انتظار تأکید دارد و تشکیل هرگونه حکومت را قبل از ظهور خلاف قوانین انتظار می‌داند و تنها حکومتی از نظر آن‌ها حکومت حق است که توسط خود حضرت مهدی (عج) و به ریاست ایشان تشکیل گردد؛ لذا با رویکرد و نگرشی که این جریان به مسئله حکومت منجی (عج) دارد، به نظر می‌رسد عامل تعیین‌کننده کنشگری انسان و مسلمان محب، چیزی جز ظهور خود شخص امام منجی (عج) نیست، به گونه‌ای که هرگونه کنشگری انسان زمان حیات زیست امام، معنا می‌یابد. انجمن، جهاد و مبارزه دوران غیبت را حرام دانسته و به روایات و احادیثی چون: «لَا يَكُونُ الْجِهَادُ إِلَّا مَعَ إِمَامٍ عَادِلٍ» و همچنین آیه «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» (بقره: ۱۹۵) برای تقویت دیدگاه خود استناد می‌جویند. انجمن حجّتیّه، تقیه را روش سیاسی دوران انتظار برمی‌شمارد. این گفتمان، فرد به یک انسان منفعل محب تبدیل و جهت تربیت افراد و آگاهی‌رسانی گام برمی‌دارد. این سازوکار، کنشگری انسان با مسئله صبر و انتظار ارتباط وثیق عمیقی برقرار می‌کند. رسالت این انسان بسترهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، مراقبت نفس و همان میان حال آماده شدن برای یک جنگ بزرگ است که با ظهور امام عصر نقش

و تأثیرگذاری خود را اعمال خواهد کرد. نتیجه، همکاری و مدارا با حکومت جور و پذیرش ظلم و ستم بر علیه خود برای فراهم‌سازی هرچه سریع‌تر زمینه‌های ظهور قابل توجیه گشته و قیام و هرگونه مبارزه علنی را تا رسیدن موعد «جنگ بزرگ» مضموم تلقی می‌نماید. انسان این وضعیت مرزبندی شده، باید کمین نشسته و رزمی تدافعی را پیشه کند تا کمتر دچار آسیب شود؛ بنابراین مسئله اساسی این گفتمان، مؤلفه ظهور منجی است. موضوعی که پرتو آن، سایر مؤلفه‌های هویت‌ساز، معنا و تعریف می‌شوند. واقع اگر «نفی حکومت دینی سال‌های پیش از ظهور» را مهم‌ترین شاخصه تفکر حجتیه بدانیم آنگاه می‌توان بر این نکته تأکید کرد که این تفکر کاملاً مقابل گفتمان انقلاب اسلامی با استفاده از احادیث مختلف، قعود را بر قیام جهت اقامه احکام الهی و حدود الهی ترجیح می‌دهند و خود را از مشارکت شکل‌دهی به حکومتی تاریخ‌ساز برحذر می‌دارد. از نظر آنان تاریخ بدون اینکه دستخوش اراده انسانی قرار گیرد سرنوشتی محتوم دارد. این جریان بر این باور است که جهان بیرون به دلیل اینکه ذیل ولایت معصوم قرار ندارد، جهانی مملو از خطا و معصیت است و تا حضرت حجت باز نگردد اصلاح نخواهد شد (فیض افرا، ۱۳۹۷: ۱۰۰). از دید انجمن، اعتقاد به حضرت حجت خلاصه شده محبت و ولایت «دوستی» امام عصر و به تبع آن صرفاً بعد عبادی و نمازخواندن برای حضرت کفایت می‌کند و به دیگر جنبه‌ها و فرازهای اعتقادی حضرت ولیعصر اگر التفاتی بیابند با دیدی سطحی و فرعی می‌نگرند و به هیچ‌وجه به وجوه و ابعاد دیگر موضوع مهدویت نمی‌پردازند (فیض افرا، ۱۳۹۷: ۱۰۴).

استناد انجمن حجتیه نبرد انسان با حاکم جور، به حدیث «رایه» که صاحب هر پرچمی که پیش از قیام قائم بلند شود را طاغوت می‌خواند، صبر و تحمل سلاطین و باریان زمانه را توضیح داده که با رجوع به بحث تقیه وجه دینی این سکوت ارائه می‌گردد؛ لذا انجمنی‌ها اصلاح را فقط محیط خود پیگیری می‌کردند نه بُعد سیاسی، حکومتی و اقتصادی و بر صبر انسان منتظر دوران غیبت تأکید فراوان داشتند. تلقی و مفهوم انتظار نزد حجتیه، شوق دیدار معشوق و محب و لزوم صبر پیشه کردن همراه با التزام به تقیه است. همچنین توصیه حجتیه این فضا، نوع حرکت و چگونگی عمل طول دوره انتظار خلاصه فعالیت نظری و عملکرد سازمانی راستای حفظ چهارچوب عقاید اسلامی مؤمنین (جامعه) جهت آمادگی برای روز ظهور است؛ لذا جهت فعالیت و تأثیرگذاری مؤمنین این دوره تنها

همان حفظ و صیانت و دفاع از خلوص «عقیده» است و دیگر حوزه‌ها التزام تام به «تقیه» تا روز ظهور می‌باشد.



شکل شماره ۱: مفصل‌بندی گفتمانی انتظار ایستایی

انجمن مسائل مربوط به تشکیل حکومت پیش از ظهور امام زمان، طبق آموزه‌های پیشین خود و آموزه‌های سنتی که حوزه وجود داشت و بر آن نیز باور داشته، عمل کرده است. نکته قابل ذکر این‌که، انجمن حجتیه برای مبارزه با بهائیت و اصلاح اجتماعی به صورت کامل (مبارزه با افراد بهایی رده‌های بالای حکومتی) جامعه را نیازمند داشتن رهبری معصوم می‌داند و عدم حضور فیزیکی رهبر معصوم را دلیل متقاعدکننده‌ای برای عدم مبارزه مؤثر و تمام‌کننده عنوان می‌کند. از منظر انجمن، فضای حاکم بر ما و رفتارهای اجتماعی ما چنان طبیعی هستند که امکان تصور جایگزینی برای وضع موجود غیرممکن می‌گردد. التزام داشتن به حکومت وقت و تلاش برای زمینه‌سازی ظهور تکلیف هر مسلمان معتقد به آموزه‌های دینی بوده است (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۳۶). تاجری با اشاره به احادیثی زمینه انتظار می‌نویسد: احادیث اسلامی واژه «نیت» را برای این معنا برگزیده‌اند؛ پس انتظار چیزی نیست مگر نیت ظهور. دل مفهوم انتظار دو بُعد «شناخت ونی» و «خواست قلبی» نسبت به ظهور نهفته است. منتظران حقیقی، پیوسته تصویر ظهور را برابر دیدگان دارند و از دل و جان آن را می‌جویند

و برای تحقق آن می‌کوشند. امام باقر^(ع) می‌فرماید: «الْقَائِلُ مِنْكُمْ أَنْ لَوْ أَكْتُ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ نَصْرَتُهُ كَانَ كَالْمُقَارِعِ بَيْنَ يَدَيْهِ بِسَيْفِهِ لِابْلِ كَلْشَهِيدٍ مَعَهُ؛ آن کس که از سر صدق و صفا بگوید اگر امام زمان امام قائم را می‌یافتم او را یاری می‌دادم، مانند کسی است که پیروزمندانه پیشاپیش حضرتش شمشیر زند، نه بلکه مانند کسی است که همراه حضرتش شهید گردد». امام صادق^(ع) می‌فرماید: «مَنْ مَاتَ وَهُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ لَمْ يَصْرُهُ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرَ أَوْ تَأَخَّرَ وَ... كَانِ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ؛ آن کس که تا دم مرگ، شناسای مقام امام زمانش باشد، چه ظهور پیش افتد یا پس، زیان نمی‌بیند و... مانند کسی است که سرپرده حضرت قائم سرگرم خدمت باشد» (تاجری، ۱۳۵۸: ۵۷-۵۳). تاجری با نفی انتظار انفعالی موجود اذهان آن زمان معتقد است که گروهی دانسته یا ندانسته چشم‌به‌راهی را مایه «رکود» و «عقب‌ماندگی» وانمود کرده، می‌پندارند که شیعه باید از هر تلاش اصلاحی و هر کوشش انقلابی دست بشوید و برابر زور و ستم، خاموشی و سکوت پیش گیرد و بسان مرده زنده‌نما، تابوت «انتظار» از کشد و به خواب دائمی فرورود و اگر می‌خواهد موعود جهانی زودتر از راه برسد، می‌باید به گسترش جور و فساد کمک کند تا گیتی پر از ستم و تباهی گردد. این، بدترین و ناست‌ترین و گمراه‌کننده‌ترین مفهومی است که می‌توان به «انتظار» نسبت داد. گناه از اصل «انتظار» نیست. بلکه از آن‌هاست که به سبب جهل یا غرض، برداشت غلط و تفسیر ناستی از آن دارند. از سوی دیگر، شیعه معتقد است که اگر مردمان، خیره‌سری و گردنکشی را کنار نگذارند و به نابودی اقلیت دین‌دار و حق‌پرست همت گمارند، آخرین لحظه پیروزی باطل‌گرایان، آن پیشوای مقت‌ربانی به نجات ماندگان برخواید خواست. پس اینان باید همواره نبرد خویش را پیگیر و خستگی‌ناپذیر ادامه دهند و سنگر مبارزه خود را علیه کفر و طاغوت ترک نگویند و بدانند هرگاه زیر رگبار حملات دشمن، فریاد استمدادشان به‌راستی برخیزد، سالار سپاه به دادشان خواهد‌سید. با این اعتقاد دوسویه، هرگز منتظران راستین، به «خمود» و «جمود» دچار نمی‌گردند، بلکه جبهه‌مظلومان و مستضعفان سنگر خواهند گرفت و مکتب‌سازنده «انتظار» تربیت و تزکیه خواهند یافت. چهار بُعد اساسی مفهوم راستین انتظار این نگاه عبارت‌اند از: ۱. ظهوری ون؛ ۲. از یأس تا امید؛ ۳. تلاش و سازندگی؛ ۴. کمینگاه صبر. انتظار با دو بعد جاذبه و دافعه، یعنی یأس از اوضاع حالیه و امید به دوران آینده، انسان منتظر را هم به‌پیش می‌راند و به‌سوی ترقی و تعالی می‌برد. بُعد دیگر مفهوم «انتظار» که جنبه اثباتی دارد «امید»

به ظهور است که ایجاد جاذبه می‌کند، انسان را به راه می‌اندازد و به سوی خود می‌کشاند: «وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ» (زمر: ۲۰)؛ این وعده خداست؛ خدا می‌عاد خود خلاف نخواهد کرد.

۳-۳. رویکرد فعال و انقلابی: دیدگاه امام خمینی

ون مایه تفکر امام خمینی و موضوعی که همواره خط‌مشی اصلی معنای انقلابی انتظار را گفتمان ایشان شکل می‌دهد، عمل به وظیفه و ادای تکلیف الهی است و همین موضوع است که دیدگاه ایشان باب انتظار فرج را از سایر دیدگاه‌ها متمایز می‌سازد:

۱. اولین دیدگاه باب موضوع «انتظار فرج» که حضرت امام به طرح آن می‌پردازند، دیدگاه کسانی است که تکلیف مردم زمان غیبت را تنها دعا برای تعجیل فرج حضرت حجت^(ع) می‌دانند:

۲. بعضی‌ها انتظار فرج را به این می‌دانند که مسجد، حسینیه، منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان- سلام الله علیه- را از خدا بخواهند. اینها مردم صالحی هستند که یک همچو اعتقادی دارند. بلکه بعضی از آنها را که من سابقاً می‌شناختم بسیار مرد صالحی بود، یک اسبی هم خریده بود، یک شمشیری هم داشت و منتظر حضرت صاحب- سلام الله علیه- بود. اینها به تکالیف شرعی خودشان هم عمل می‌کردند و نهی از منکر هم می‌کردند و امر به معروف هم می‌کردند، لکن همین، دیگر غیر از این کاری ازشان نمی‌آمد و فکر این مهم که یک کاری بکنند، نبودند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ۱۳). دیدگاه دومی که حضرت امام بدان اشاره می‌کنند بسیار شبیه به دیدگاه اول است با این تفاوت که دیدگاه دوم به طور کلی وظیفه‌ای که هر فرد مسلمان نسبت به جامعه خود دارد به فراموشی سپرده شده و حتی از امر به معروف و نهی از منکر هم غفلت شده است:

یک دسته دیگری بودند که انتظار فرج را می‌گفتند این است که ما کار نداشته باشیم به اینکه جهان چه می‌گذرد، بر ملت‌ها چه می‌گذرد، بر ملت ما چه می‌گذرد؛ به این چیزها ما کار نداشته باشیم، ما تکالیف‌های خودمان را عمل می‌کنیم، برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیایند ان شاء الله، ست می‌کنند؛ دیگر ما تکلیفی نداریم. تکلیف ما همین است که دعا کنیم ایشان بیایند و کاری به کار آنچه دنیا می‌گذرد یا مملکت خودمان می‌گذرد، نداشته باشیم. اینها هم یک دسته‌ای، مردمی

بودند که صالح بودند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ۱۳-۱۴).

امام ادامه بیانانشان به نقد و بررسی دو دیدگاه یادشده پرداخته و می‌فرماید:

ما اگر دستمان می‌رسید، قوت داشتیم، باید برویم تمام ظلم و جورها را از عالم برداریم. تکلیف شرعی ماست، منتها ما نمی‌توانیم. اینی که هست این است که حضرت عالم را پر می‌کند از عدالت؛ نه شما دست بردارید از تکلیفتان، نه اینکه شما دیگر تکلیف ندارید (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ۱۵).

۳. سومین برداشت از مفهوم انتظار فرج که بیانات حضرت امام بدان اشاره شده است، برداشت کسانی است که به استناد روایاتی که آن‌ها آمده است، حضرت قائم زمانی ظهور می‌کنند که دنیا پر از فساد و تباهی شده باشد، می‌گویند ما نباید زمان غیبت با انحراف‌ها و مفسدگی که جامعه وجود دارد کاری داشته باشیم، بلکه باید جامعه را به حال خود بگذاریم تا به خودی خود زمینه ظهور حضرت فراهم شود:

یک دسته‌ای می‌گفتند که خوب، باید عالم پر [از] معصیت بشود تا حضرت بیاید؛ ما باید نهی از منکر نکنیم، امر به معروف هم نکنیم تا مردم هر کاری می‌خواهند بکنند؛ گناه‌ها زیاد بشود که فرج نزدیک بشود (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ۱۴).

۴. دیدگاه چهارم به شکلی افراطی‌تر همان برداشت گروه سوم را مطرح ساخته و قائل به این است که ما نه تنها نباید جلوی معاصی و گناهایی که جامعه وجود دارد بگیریم، بلکه باید به آن‌ها دامن هم بزنیم تا زمینه ظهور حضرت حجت^(ع) هر چه بیشتر فراهم شود:

یک دسته‌ای از این بالاتر بودند، می‌گفتند: باید دامن زد به گناهها، دعوت کرد مردم را به گناه تا دنیا پر از جور و ظلم بشود و حضرت - سلام الله علیه - تشریف بیاورند. این هم یک دسته‌ای بودند که البته بین این دسته، منحرفهایی هم بودند، اشخاص ساده لوح هم بودند، منحرفهایی هم بودند که برای مقاصدی به این دامن می‌زنند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ۱۴).

۵. آخرین دیدگاهی که امام خمینی بیانات خود بدان می‌پردازند، دیدگاه کسانی است که هر اقدامی برای تشکیل حکومت زمان غیبت را خلاف شرع دانسته و عقیده دارند که این عمل با نصوص

روایات مغایر است:

یک دسته دیگری بودند که می‌گفتند که هر حکومتی اگر زمان غیبت محقق بشود، این حکومت باطل است و بر خلاف اسلام است. آنها مغرور بودند. آنهایی که بازیگر نبودند، مغرور بودند به بعض روایاتی که وارد شده است بر این امر که هر عَلمی بلند بشود قبل از ظهور حضرت، آن علم، علم باطل است. آنها خیال کرده بودند که نه، هر حکومتی باشد، صورتی که آن روایات [اشاره دارد] که هر کس علم بلند کند با علم مهدی، به عنوان «مهدویت» بلند کند، [باطل است]. حالا ما فرض می‌کنیم که یک همچو روایاتی باشد، آیا معنایش این نیست که تکلیفمان دیگر ساقط است؟ (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ۱۴).

بنابراین انتظار گفتمان امام خمینی، مفهومی جز آمادگی فردی و اجتماعی برای برپایی دولت کریمه حضرت ولی عصر^(عج) نیست و این همان است که فرهنگ شیعی بدان اشاره شده و روایات معصومین^(ع) از آن سخن به میان آمده است. از آنجا که انتظار موعود یا به عبارتی انتظار تحقق وعده الهی حاکمیت جهانی دین اسلام می‌تواند احیای هویت اسلامی مسلمانان و مقابله با روحیه خودباختگی و احساس حقارت مقابل فرهنگ و تمدن مغرب زمین بسیار مؤثر باشد، حضرت امام با ژرف‌اندیشی تمام احیای فرهنگ انتظار را به‌عنوان یکی از ارکان مهم احیای هویت اسلامی و وسیله‌ای برای تحقق دوباره قوت و شوکت گذشته مسلمانان جهان مدنظر قرار داده و یکی از بیانات خود که اولین سال استقرار نظام اسلامی ایراد کردند، ضمن بیان مفهوم «انتظار فرج» و وظیفه منتظران قدوم حضرت صاحب‌الامر^(ع) را چنین برشمردند:

ما همه انتظار فرج داریم، و باید این انتظار خدمت بکنیم. انتظار فرج، انتظار قوت اسلام است، و ما باید کوشش کنیم تا قوت اسلام عالم تحقق پیدا بکند، و مقدمات ظهور ان شاء الله تهبه بشود (امام خمینی، ج ۸: ۳۷۴).

۳-۴. مفصل‌بندی گفتمان انقلابی انتظار

این رویکرد مقابل برداشت اول از معنای انتظار قرار دارد؛ به گونه‌ای که انسان منتظر را همچنان

دعوت به تکاپو و فعالیت جهت رد و نفی هرگونه ظلم و جور دوره انتظار می‌کند و جامعه شیعی را قائل به تلاش و کوشش جهت پیشبرد اهداف اسلامی و الهی تا زمان ظهور می‌نماید. امام خمینی، از بارزترین اندیشمندانی است که بر اساس دیدگاه فرهنگی-اجتماعی، به تحلیل و بازخوانی جامعه بر اساس فرهنگ مهدویت پرداخته و کوشیده است تا با تفسیر ست از انتظار منجی، راهی برای برون‌رفت جامعه از بن‌بست‌های عصر غیبت بیابد. امام خمینی با طرح اندیشه تشکیل حکومت اسلامی عصر غیبت و تلاش راه تحقق این آرمان به «انتظار»، معنا و مفهوم تازه‌ای بخشید و قرائتی جدید از رسالت شیعیان برابر حجت خدا مطرح ساخت.

قلمرو نظر و عمل، با بررسی معنایی مهدویت و انتظار که جزو واژگان کلیدی ادبیات سیاسی امام خمینی به شمار می‌رود، می‌یابیم که ایشان به دور از هرگونه التقاط فکری و تشتت معرفتی به بازخوانی دوباره از قاموس مفاهیم دینی عرصه سیاست و اجتماع همت گماشت. این نگاه انتظار؛ فرسودگی، بازنشستگی و وادادگی انسان‌های منفعل نیست. انتظار؛ مخرب و مخ تاریخ و افیون توده‌ها نیست، بلکه انتظار منجی پهنه معرفتی ایشان روح اجتماع و موتور محرک تاریخ است. ایشان حکومت جمهوری اسلامی را مقدمه‌ای برای بیداری جهان اسلام از بردگی من می‌داند و انتظار ظهور حجت را استمرار اقتدار اسلام تبیین می‌کند.

امام خمینی با نفی نگرش منفعلانه و ایستا از انتظار، بر خوانش ایجابی و دینامیک از این آموزه تأکید داشت و می‌فرمود:

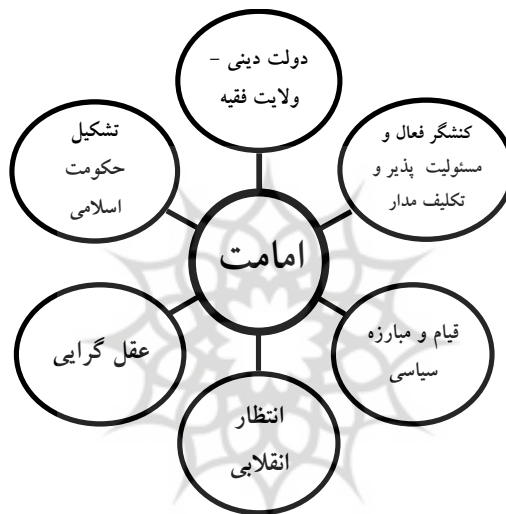
این طور نیست که حالا که ما منتظر ظهور امام زمان - سلام الله علیه - هستیم پس دیگر بنشینیم تو خانه‌هایمان، تسبیح را دست بگیریم و بگوییم «عَجَلْ عَلٰی فَرَجِهِ».
عجل، با کار شما باید تعجیل بشود، شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او.
و فراهم کردن اینکه مسلمین را با هم مجتمع کنید (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۸: ۲۶۹).

نگاه استراتژیک امام به آموزه مهدویت، انتظار، منتظر را به انزوا نمی‌کشاند و او را از مسئولیت‌های اجتماعی نمی‌رهاند. وی با نگاه عقل‌گرایانه به مفهوم انتظار، نه نگاه نقل‌گرایانه‌ای (اخباریگری) که نقش حداقلی را برای انسان منتظر تعریف می‌کرد، توانست احساس مسئولیت فردی و اجتماعی را

سطح جامعه به بالاترین حد ممکن که تشکیل حکومت بود، ارتقا بخشد. امام خمینی با سیره عملی خویش به تبیین و ترجمه این آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱) پرداخت و با گشودن پنجره عقل بر روی متون نقلی، پس از اعتماد به اختیار انسان عرصه سرنوشت اجتماعی خویش، مفهوم انتظار منجی را به اوج رساند و توانست پایه‌های عقلانی و اجتماعی مهدویت را پشتوانه اصالت نقلی آن قرار دهد. مدخل اندیشه انتظار و دولت منتظر آرمان امام خمینی یکی از عناصر و دغدغه‌های اصلی بوده است. امام با طراحی این پیش فرض ذهنی که آرمان توحید همه پیامبران به دست حضرت مهدی تحقق خواهد یافت، قرائتی از دولت دینی و منتظر بیان می‌دارد. ایشان با نفی هرگونه برداشت که سبب دوری مردم از دولت منتظر و انتظار منجی شود، طرح نوینی اندیشه مهدویت و دولت مهدوی انداخت. امام خمینی جهت ضرورت تشکیل حکومت اسلامی بیان می‌کند که: «اکنون که دوران غیبت امام^(ع) پیش آمده و بناست احکام حکومتی اسلام باقی بماند و استمرار پیدا کند و هرج و مرج روا نیست، تشکیل حکومت لازم می‌آید. عقل هم به ما حکم می‌کند که تشکیلات لازم است تا اگر به ما هجوم آوردند بتوانیم جلوگیری کنیم» (امام خمینی، ۱۳۸۱: ۵۰). نگاه امام خمینی مفهوم انتظار، معنای انقلابی دارد. نگاه ایشان وظیفه فرد منتظر تلاش برای تشکیل حکومت اسلامی قبل از ظهور و انتظار پویا و فعال خلاصه می‌شود، به گونه‌ای که این راه نظریه «ولایت فقیه» را ارائه می‌دهد. امام خمینی با اعتماد به اختیار انسان عرصه سرنوشت اجتماعی خویش با طرح اندیشه تشکیل حکومت اسلامی عصر غیبت و تلاش راه تحقق این آرمان، قرائتی جدید از رسالت شیعیان برابر حجت خدا مطرح ساخت. ایشان حکومت جمهوری اسلامی را مقدمه‌ای برای بیداری جهان اسلام از بردگی من می‌داند که با ظهور حجت و تشکیل حکومت جهانی اسلام اقتدار اسلام نیز جهانی خواهد شد.

حضور مسند قوت و اعطای نظریه‌ای اسلامی برای حکومت از سوی امام خمینی، به نحوی ادامه تفکر مشروطه بوده است که روحانیت شیعه نقش بارزی آن دوران، دارا بودند. ایشان انتظار را هدفمند و محرک حد ممکن‌های برقراری شرع اسلام و اصلاح اجتماعی می‌دیدند که مستوجب رسیدن به اقتدار نهایی اسلام خواهند بود. ایشان زمان ظهور، وظایف مؤمنین را از بطن شارع مقدس و هم‌نوا با آزادی‌خواهی‌های جهانی به این شکل معرفی می‌کند که وظیفه نخبگان، روحانیت و کلیت جامعه

مؤمن را برپایی شرع مقدس اسلام و اصلاح ناهنجاری‌ها کلیه حوزه‌ها معرفی می‌نماید و همچنین حتی‌الامکان برقراری نظام‌های اسلامی جهت مقدمه‌سازی ظهور امام زمان. ایشان فعالیت مؤمنین این دوره را بر انجام واجبات ممکنه شرع مقدس و انجام اصلاحات جامعه و سعی برپایی هرگونه حاکمیت اسلامی تعریف می‌نماید تا مقدمه‌ای باشد برای حکومت اسلامی سراسری و جهانی امام زمان.



شکل شماره ۲: مفصل‌بندی گفتمان انقلابی انتظار

نگاه ایجابی امام خمینی به مهدویت و بازتعریف ایشان از آموزه انتظار منجی عصر غیبت علاوه بر تشدید مسئولیت‌های فردی، اجتماعی و سیاسی، منجر به خلق انقلاب اسلامی گردید. دال‌های نفی قرائت‌های سلبی از انتظار منجی، تبدیل گفتمان سلبی انتظار به ادبیات ایجابی، طرح تئوری ولایت فقیه، تأسیس حکومت اسلامی و دولت منتظر بر پایه استراتژی انتظار حول دال مرکزی امامت گفتمان کلامی سیاسی امام خمینی مفصل‌بندی شد و با قرائت جدید از کنشگری و مسئولیت‌پذیری انسان جامعه غیراسلامی، نقش‌آفرینی گسترده‌ای را از طریق سازوکارهای اقدام عملی، قیام برای خدا و عدم تساهل با حکومت جور و ستمگر برای ایجاد بسترهای ظهور منجی عالم را تعیین می‌کند؛

بنابراین امام خمینی با بازسازی مفهوم انتظار فرج و قرائت خاص خود از امامت و مهدویت، نه تنها توانست راهی برای برون‌رفت جامعه از وضع موجود به وضع مطلوب مورد نظر خود ایجاد نماید، بلکه با برپایی حکومت اسلامی مبتنی بر نظریه ولایت مطلقه فقیه حکومتی را شکل می‌دهد تا مقدمه‌ای باشد برای حکومت اسلامی سراسری و جهانی امام زمان.

دیدگاه امام خمینی بر تشکیل حکومت، به‌عنوان یک امر ضروری بود و معتقد بودند این ضرورت تکلیف‌آور است و آن تکلیف، تشکیل حکومت است. امام خمینی بر ادای این تکلیف تأکید زیادی داشتند: «ما تکلیف داریم که، اینکه می‌گوید حکومت لازم نیست، معنایش این است که هرج و مرج باشد» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ۱۳). ضرورت تشکیل حکومت اندیشه امام خمینی علاوه بر حکم عقل، برگرفته از سیره نبوی است:

اعتقاد به ضرورت تشکیل حکومت و برقراری دستگاه اجرا و اداره جزئی از ولایت است؛ چنانکه مبارزه و کوشش برای آن از اعتقاد به ولایت است. ست توجه کنید. همان طور که آنها بر ضد شما اسلام را بد معرفی کرده‌اند، شما اسلام را آن طور که هست معرفی کنید؛ ولایت را چنانکه هست معرفی کنید. بگویید ما که به ولایت معتقدیم و به این که رسول اکرم (ص) تعیین خلیفه کرده و خدا او را واداشته تا تعیین خلیفه کند و «ولّی امر» مسلمانان را تعیین کند، باید به ضرورت تشکیل حکومت معتقد باشیم؛ و باید کوشش کنیم که دستگاه اجرای احکام و اداره امور برقرار شود. مبارزه راه تشکیل حکومت اسلامی لازمه اعتقاد به ولایت است (امام خمینی، ۱۳۸۱: ۲۱).

بنابراین همان‌گونه که زمان رسول‌الله (ص) و ائمه اطهار (ع) وضعیت بی‌حکومتی مطلوب نبوده است، زمان کنونی و عصر غیبت نیز نامطلوب است. از نظر امام خمینی دوره غیبت کبری، عصر بلا تکلیفی نیست و ما نسبت به امر سیاسی تکلیف داریم و آن برپایی حکومت اسلامی است تا مقدمه‌ای برای ظهور امام عصر (عج) باشد. شیعیان حال انتظار فرج، برای قدرت سیاسی اسلام خدمت می‌کنند. دلیل این تکلیف، اعتقاد به فلسفه سیاسی امامت عصر غیبت است. استمرار امامت سیاسی غیبت ما را به برپایی حکومت اسلامی تکلیف کرده است. این دیدگاه، فلسفه سیاسی امامت برای

مقابله با ظلم و استبداد ارزش می‌نهد و با تفسیر انتظار فرج به معنای دست روی دست گذاشتن مخالف است.

امام خمینی این بیانات صدد آشکار کردن معنای واقعی انتظار فرج بودند. انتظار فرج، همگان را به حرکت و اقدام عملی و مبارزه سیاسی دعوت می‌کند. انتظار فرج، طلب سیاسی نهفته است و از همین روست که پیروان امام عصر (عج) نیز تمنا و طلب برپایی حکومت عدالت‌گستر جهانی حضرت مهدی (عج) را دارند. براین اساس، ولایت مطلقه فقیه، نظام پیشنهادی امام خمینی برای دوره غیبت است؛ و ولایت فقیه استمرار فلسفه سیاسی امامت است. ولایت فقیه دولت انتظار عصر غیبت است و از فلسفه سیاسی امامت سرچشمه می‌گیرد. ولایت فقیه، دولت آماده‌گر و زمینه‌ساز برای ظهور حضرت مهدی (عج) است. از این رو، امام خمینی با هرگونه برداشت‌های ناصواب پیرامون انتظار فرج مخالفت می‌ورزید. انتظار فرج به معنای ترک سیاست و نفی حکومت یا پذیرش فلسفه‌های سیاسی عرفی نیست. ایشان ریشه این‌گونه برداشت‌های ناست را فردی دیدن احکام شرعی، فرار از تکلیف، ساده‌لوحی و رواج اندیشه استعماری جدایی دین از سیاست دانسته است و با مردود شمردن این‌گونه برداشت‌های ناروا، وارد عرصه سیاست شده و با به راه انداختن نهضت ضد استعماری و ضد استعماری، سرانجام با عنایت امام زمان (عج) موفق به تأسیس دولت انتظار گشتند (مهدوی زادگان، ۱۳۹۴: ۲۴)؛ بنابراین شاهد آن هستیم که از آن گفتمان و دیدگاه انقلابی، تشکیل حکومت دینی مبتنی بر نظریه ولایت فقیه مطرح می‌شود.

نتیجه‌گیری

مفهوم انتظار و گفتمان‌های برآمده از آن که انعکاسی از برداشت‌ها و نگرش‌های متفاوت از سازوکار عملی کنش اجتماعی و سیاسی عصر غیبت، موضوعی است که مطمح نظر پژوهش بسیاری از مطالعات اسلامی قرار گرفته است. پژوهش حاضر نیز نگارندگان سعی داشتند استفاده از نظریه تحلیل گفتمان به بررسی این مطلب پردازند که مفهوم انتظار به‌عنوان دال مرکزی دو گفتمان رویکرد انقلابی و غیرانقلابی، دارای دو مفهوم متعارض است که نظام معنایی خاصی را مفصل‌بندی نموده است. این ارتباط، به بررسی دیدگاه‌های انجمن حجّتی به‌عنوان کارگزار و نماینده‌ای از گفتمان

غیرانقلابی و تفسیر ایستایی از انتظار و دیدگاه امام خمینی به‌عنوان نماینده دیدگاه گفتمان انقلابی و تفسیر پویا پرداختند. بررسی ساختار فکری انجمن حجّتیّه نشان می‌دهد که مفهوم انتظار عنصری هویت‌بخش به سایر مؤلفه‌های غیریت‌سازی است که این شاکله، انسان هویتی را به دست می‌آورد که هرگونه حرکت اصلاح‌گرایانه سیاسی و قیام برای خداکنشی تضاد با مسئله انتظار تعبیر می‌شود. براین اساس، هرگونه تفسیر انقلابی توأم با تکلیف قیام و ایجاد شرایط برای ظهور منجی عالم، نشان از انحراف و اختلال روند طبیعی نظام تعاملی و ارتباطی انسان محب و منجی عالم است. سایه این تفسیر، تقیه و پذیرش وضع موجود جهت افزایش نارضایتی‌های زیست اجتماعی - سیاسی و فساد بر روی زمین اهمیت یافته و این‌گونه می‌شود که هرگونه تلاش برای تغییر و اصلاح به حاشیه رانده می‌شود. اهمیت این مسئله از آن جهت است که با تغییر هویت‌یابی یک کنشگر فراسوی فکری گفتمان انقلابی، نظامی از معانی و مفاهیم متفاوت از نگرش غیرانقلابی شکل یافته که زمینه تغییر و تحول و انقلاب ساختارها را به دنبال داشت. این نظام معنایی، مفهوم انتظار برای یک انسان منتظر، تکلیف به قیام برای اصلاح را تعریف می‌کند و از آن تکلیف، برپایی نظم مطلوب سیاسی نوین و حکومت اسلامی ناب محمدی (ص) تکلیفی مهم شناسایی می‌شود. براین اساس، انسان این سازوکار، به‌عنوان یک کنشگر منتظر فعال سایه خط‌مشی امامت و ولایت، برای انجام تکلیف قیام می‌کند. گفتمان انقلابی و تفسیر پویا از معنای انتظار که نگرش امام خمینی مفصل‌بندی شد گستره کنشگری را به گونه‌ای گستراند که نه تنها مقابل حکومت جور قائل به مدارا و تساهل نبود و به قیام فعالانه و انقلاب دست زد بلکه ساختاری از دولت دینی را براساس نظریه حکومت ولایت مطلقه فقیه ترسیم کرد. این تغییر و مفصل‌بندی جدید گفتمانی که ناشی از تغییر دال‌های معنایی از انگاره انتظار بود تأثیر خود را به تدریج و به‌خوبی سال‌های ۱۳۲۰ تا پیروزی انقلاب اسلامی بیانیه‌ها، سخنان، خطوط سیاسی اجتماعی و مشی‌های مبارزه‌جویی کنشگران برای هم شکستن و به پایین کشاندن نگرش حاکم مبنی بر مدارا و تساهل با دولت و حکومت جور و مصلحت‌اندیشی‌های کاذب، نشان داد.

منابع

۱. اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۹۷)، نقد و ارزیابی گفتمان‌های اجتماعی سیاسی مطرح جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. چاپ دوم.
۲. _____ . (زمستان ۱۳۹۱)، «نقد و ارزیابی تحلیل گفتمانی لاکلا و کاربرد آن سیاست»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۲، شماره ۴، صص ۲۰-۱.
۳. _____ . (۱۳۹۰)، نگرش‌هایی نو به آموزه مهدویت، قم: موسسه آینده روشن.
۴. اصفهانی کربلایی. (۱۳۷۷)، شیخ حسن، تاریخ دخانیه، به کوشش رسول جعفریان، قم، انتشارات الهادی، چاپ اول.
۵. امام خمینی، سید روح الله. (۱۳۸۱)، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، چاپ دوازدهم، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج.
۶. _____ . (۱۳۸۹)، صحیفه امام، چاپ پنجم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۷. باقی، عمادالدین. (۱۳۶۲)، شناخت حزب قاعدین زمان، چاپ سوم، تهران: نشر دانش اسلامی.
۸. تاجری، حسین. (۱۳۵۸)، انتظار بذر انقلاب، بی‌جا، انتشارات ب.
۹. حیدری چراتی، حجت. (۱۳۹۹)، «بررسی و تحلیل انجمن حجتیه مقایسه با گفتمان امام خمینی بر اساس نظریه لاکلا و موفه»، نشریه انتظار موعود، زمستان، شماره ۷۱، صص ۱۴۶-۱۲۵.
۱۰. خسروپناه، عبدالحسین. (۱۳۹۰)، «آشنایی با انجمن حجتیه»، نشریه پیام، بهار، شماره ۱۰۵، صص ۱۸۳-۱۶۰.
۱۱. جعفریان، رسول. (۱۳۹۰)، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران، چاپ اول، تهران: نشر علم.
۱۲. رضایی، امید. (۱۳۹۴)، انتظار ایستا، چاپ اول، تهران: مدبران.
۱۳. رضایی، محمد. (۱۳۸۷)، «جریان شناسی انجمن حجتیه»، نشریه آینه پژوهش، خرداد و شهریور، شماره ۱۱۰ و ۱۱۱، صص ۱۰۲-۸۳.

۱۴. علیانسنب، ضیاءالدین و سلمان علوی نیک. (۱۳۸۵)، جریان شناسی انجمن حجتیه، چاپ اول، تهران: زلال کوثر.
۱۵. علی جباری، حسین. (تابستان ۱۳۹۸)، «تأملی جامع از مفهوم انتظار فرج و جایگاه آن اندیشه اسلامی»، فصلنامه مطالعات مهدوی، سال دهم، شماره ۴۴، صص ۶۰-۴۵.
۱۶. مسائلی، احمد؛ ناهیدفرقانی تهرانی. (تابستان ۱۳۹۸)، «سازه مفهومی انتظار اندیشه مهدویت»، فصلنامه علمی- پژوهشی انتظار موعود، سال نوزدهم، شماره ۶۵، صص ۲۸-۵.
۱۷. مرندی، محمضا. (خرداد ۱۳۸۲)، «بازگشت از اتوییا»، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر (زمانه)، سال دوم، شماره ۹، صص ۶۸-۶۱.
۱۸. مهدوی زادگان، داود. (زمستان ۱۳۹۴)، «امام خمینی و فلسفه سیاسی انتظار»، فصلنامه سیاست متعالیه، سال سوم، شماره یازدهم، صص ۲۶-۷.
۱۹. یورگنسن، ماریان؛ لوئیز فیلیپس. (۱۳۹۸)، نظریه و روش تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی، چاپ نهم.